

	
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران	
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان	
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف	
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – تماس: ۸۸۶۵۴۳۹۲	
نشانی اینترنتی: www.sharghn Newspaper.ir	
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۰۱۹۹	
امور مشترکین: ۴۴–۸۸۴۴۱۳۸	
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰	
چاپ کلروز: جاده قدیم کرج، فتح ۰۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶	



افشاکری – ۱۱

احمد غلامی



انوبیوگرافی

آنها سه نفر بودند وقتی انقلاب شد و مردم ریختند در زندان‌ها را باز کردند آنها هم آمدند بیرون. هر سه‌تاشان به جرم دزدی از یک طلافروشی توی بازار دستگیر شده بودند. اما هیچ وقت طلاها به قول پدرزنم می‌بینند جا تزه و بچه نیست، هر کس به دیگری مظنون است و هیچ کس هم نمی‌تواند ثابت کند کی طلاها را برداشته ولی افسانه می‌گوید کار پدرش است. وقتی پرسیدم رو چه حسایی این حرف را می‌زند، گفت: «به روز مادرم، مارو تنها گذاشت و صبح تا شب غیب شد.» اما این دلیل محکمی برای این اتهام نیست. شاید ثروت آقای طهماسبی این سوظن را تقویت کند چون آن دو نفر پت و مت دوتایی با هم فقط یک مغازه دارند. آقای طهماسبی به آن دو نفر می‌گوید پت و مت، هیچ بعید نیست ساده‌لوحی آنها باعث شده باشد آقای طهماسبی به آنها سوءاستفاده کند خیلی مدام می‌خواست از زیر زبان پدرزنم یکشم که بالاخره طلاها را بالا کشیده یا نه. دهان باز نکرده ولی من با علم به اینکه بالاخره هر کسی نقطه ضعفی برای نفوذ به درونش وجود دارد از پیگیری ماجرا دست برنداشتم. یک بار فیلمی آوردم که سه نفر می‌رفتند دزدی و یکی از آنها به دیگری خیانت می‌کرد. پدرزنم طرف کسی را گرفت که خیانت کرده بود. گفت: «این دو تا مثل پت و مت هستن.» گفتیم: «اون که پولارو برداشت؟» رنگش پرید و گفت: «بالاخره همیشه یکی‌زنگتره.»وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم آقای طهماسبی راست می‌گوید. من و سعید سبکباز توی یک رده قرار می‌گیریم و اصراقا بقال محل و آقای طهماسبی در یک رده دیگر. زمان قبل از انقلاب اصراقا مغزای فسقلی داشت که تمام هم و غمش این بود که رفاقیاش را جمع کند توی مغازه دم بگیرند و بخوانند و به افتخار آدم‌های مثل من که می‌رفتند داخل مغازه‌ش صدهای مشکوک از خودش خارج کند و همه را دست ببندارد. اما همین اصراقا اقتدر زمان‌شناس بود که متحول شود و حالا چند فروشنه‌ها بزرگ در نقاط مختلف داشته باشد. باسه زن که حداقل ۲۰ سال از خودش کوچک‌ترند. شما اگر اصراقا را ببینید پل‌وربان نمی‌شود کسی حاضر باشد در نیم متری او دراز بکشد ولی منهای زن خودش که ول کرده رفته تهرانسر و با اندک خرجی‌ای که اصراقا به او می‌دهد زندگی می‌کنه، سده زن دیگر بالای سر فروشنه‌ها اصراقا آلت‌نما می‌دارند و او صبح، ظهر، بعدظهر و برعکس بعدازظهر، صبح و ظهر به آنها سر می‌زند و او هیچ کدام هم جز زن اولی بچه ندارد. وقتی داستان اصراقا را برای پدرزنم تعریف کردم، گفت: «پسر این دیکه کیه.» مادرزنم خشم‌غری‌اش رفت و من فهمیدم کار آقای طهماسبی خراب است دارم آن را خرابتر می‌کنم. پدرزنم گفت: «عجب آدمیه این بابا به کارش بگو.» من هم که در برداشته بودم، دست به افشاکری زدم. گفتیم: «صراقا سه تا پسر داشت. یکی از اونا منافق بود که اعدام شد. یکی چریک فدایی بود که فراری شد.» پدرزنم گفت: «کارافت؟» گفتیم: «سوئدا» گفت: «نون نیکه.» گفتیم: «نون عقال بود تو سیاست بود تو چقدر صباچی طرفدار جنبش مسلمانان مبارز بود اما جدی نبود. تا قبل از اینکه گندش دربیاد خودشو کنار کشید.» پدرزنم گفت: «خب اینا چه ربطی به اصراقا داره؟» گفتیم: «هان، پت و مت، منافقه و فدایی به بودن.» اصراقا توی یک دقیقه پسر کوچکش را فروخت، دستگیرش کردند و فرستادند زندان. اما خدای‌اش فکر نمی‌کرد، پسرش اینقدر مهم باشد که اعدامش کنند. اولین روز که خبر مرگ پسرش را آوردند می‌گفت خودم کردم که لعنت بر خودم باد. اما فقط همان روز اول این حرف را زد. از روز بعد، سفت و محکم می‌گفت حقش بود، هر کس تاوان کار خودش را می‌دهد. پسر دومی که دست پدرش را خوانده بود، یک روز گاو صندوق پدرش را رهایی کرد و نمای‌اش توی آن گذاشت و رفت یکی از شهرهای مرزی و از آنجا رفت ترکیه و سوئد. اصراقا که تا نامه را رساند افتخاری برای خودش می‌گفت: «بابا دمی گرم. محله معرکه می‌گرفت و نامه را که سراسر فحش و ناسزا به او و انقلاب بود می‌خواند و آن را استندی بر، برحق بودن خودش می‌گرفت. تمام اعیاد و مراسم سوگاری اصراقا یا خیابان را چراغانی می‌کرد یا پارچه سیاهی می‌کشید تمام خیابان را خدایش می‌پچه‌های مذهبی هیچ وقت دوستش نداشتند اما اصراقا قل‌کل منافقه و فدایی به بودن.» اصراقا توی یک دقیقه پسر کوچکش نبود. خودش را اقتدر می‌چسباند به این و آن که دیگر همه به حضور نجس‌باشن عادت کردند و بالاخره برای خود جایی باز کرد و شد حاج‌آصف رکن آبادی. پدرزنم گفت: «بابا دمی گرم. ما واسه این پول و له ۱۰ سال پیش کشیدیم. این لاک‌دار سه تازن گرفته سه تا سوپر داره. ملادم هم نداره.» گفتیم: «ملادم مگه چه اشکالی داره؟» گفت: «ملادم خوبه ولی باید سیاسی باشه تا از توش به چیزی دربیارد. به آدم اسکل به چه دردی می‌خوره؟» ادامه دارد

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – تماس: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghn Newspaper.ir
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۴۴–۸۸۴۴۱۳۸
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلروز: جاده قدیم کرج، فتح ۰۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی

به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

ایشی گورو راضی است

سال‌های سال است که نویسندگان بزرگ سعی می‌کنند از سینما فاصله بگیرند و همین که پیشنهادی برای اقتباس از رمان‌هایشان دریافت می‌کنند، ناخودآگاه یاد جمله ازست همینگوی می‌افتند که می‌گفت: «برای معامله با هالیوود شما باید لب یک مرز ایالتی قرار بگذارید، شما کتاب را پرت کنید و آنها هم پول را و بعد هم دیگر بی‌اش را نگیرید.» کازئو ایشی‌گورو اینجا هم جزه استثناءهاست. او می‌گوید: «مارک روماناک در اینن اقتباس بدون اینکه داستان من را راهی

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

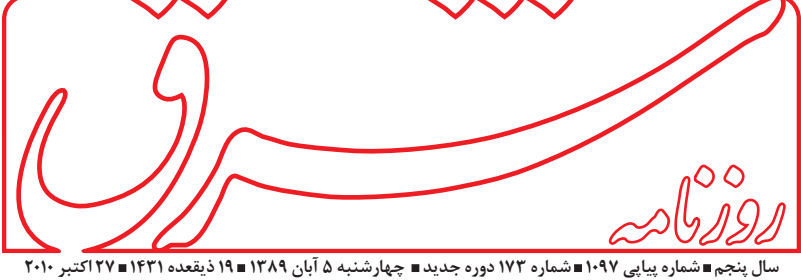
در گذر زمان: سالروز تولد فرانکلین روزولت غیبت شورولت ۴۳ و کادیلاک ۴۴

فریدون مجلسی

من فرزند زمان جنگم. آخرین سال جنگ جهانی دوم، و یکی دو سال پس از مرگ فرانکلین روزولت: کسی که سنت محدودیت انتخاب بیش از دو بار به ریاست‌جمهوری کشورش را شکست و به عنوان ضرورت تداوم فرماندهی در زمان جنگ، چهار بار انتخاب شد و در دور چهارم به‌زودی در گذشت و نشان داد که حتی آن ضرورت هم بی‌مورد بوده است! پس از او، در زمان ترومن این محدودیت سنتی و معقول در متمم تازمادی در قانون اساسی آمریکا گنجانده و قطعی شد. روزولت و

به دلیل حضورش همراه با چرچیل و استالین در کنفرانس تهران، به دلیل صدور منشور آتلانتیک و بنیانگذاری سازمان ملل متحد که دو سه ساله پس از مرگش تحقق یافت و بیش از همه به دلیل اعلان رسمی ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم پس از حمله غافلگیرانه ژاپن به پرل هاربر و در نگرین کردن معادله آن جنگ شهرت دارد. و من نیز به این مرحله، یعنی مر حله نهایی و شاید اوج زندگی سیاسی او می‌پردازم. در دوران بچگی ما که تهران کوچک و خلوت و کم ماشین بود، یک بازی و سرگرمی ما این بود که به هم‌بازی‌های کودکی کنار خیابان ولیعصر کشتنی که باریکه‌ای در میان آن آسفال‌ت شده بود می‌یستادیم و اندک اتومبیل‌های عبوری را به توت میان خودمان تقسیم می‌کردیم. اگر در توت یک نفر اتومبیلی قراضه به او می‌رسید به او می‌خندیدیم و اگر او یک کادیلاک و استویوپیگری نو به ما می‌افاد خوشحال می‌شدیم! انواع اتومبیل‌ها و مدل‌ها و سال‌های تولیدشان را خوب می‌شناختیم، اما نمی‌دانستیم چرا مدل‌های قبل از ۱۹۲۲ تا بعد از ۱۹۴۵ از قلم افتاده بود! ماشین‌ها در آن زمان‌ها مدل جدید بودند، یا ناگهان چهار سال غایب می‌شدند. خبر از کادیلاک ۱۹۴۴ یا شورولت ۱۹۴۳ یا اولدنموویل ۱۹۴۴ نبود. نیم قرن گذشت، فقط زمانی پاسخ خود را یافته که کتاب «برلم به ۸۲» را درباره ضرورت بسیج نیروها برای نجات زمین و محیط‌زیست از سرنوشتی شوم ترجمه می‌کردم. در این کتاب لستر براون می‌خواهد بگوید که وقتی آمریکا ناچار وارد جنگ شد، برای یکسره کردن نتیجه جنگ چگونه دست به بسیج صنعتی و اقتصادی بزرگی زد و از عهده آن نیز برآمد! و چگونه برای تحقق آن بسیج اتومبیل‌های مدل‌های آن سال‌ها از عرصه بازار ناپدید شدند. لستر براون می‌گوید: وقتی به بسیج برای نجات سیاره‌ای تخت تنش و تمدنی گرفتار آشفتنگی می‌اندیشیم، هم شباهت‌ها و هم تضادهایی با بسیج برای جنگ جهانی دوم خواهیم دید. در آن بسیج، بازسازی اقتصادی مطرح بود، اما جنبه موقت متد را تشکیل می‌داد، افزوده شد.

دوربیس کرنز گودوین در کتابش به نام «زمانه عادی نبود»، توصیف می‌کند که چگونه بنگاه‌های گوناگون تغییر خط دادند. یک کارخانه سازنده شمع ماشین نخستین واحدی بود که به تولید مسلسل پرداخت. به‌زودی یک سازنده اجاق‌های آشپزی داشت قایق‌های نجات می‌ساخت. یک کارخانه گردونه‌سازی چرخ‌فلک به تولید مسلسل پرداخت، یک شرکت سازنده اسباب‌بازی به تولید قطب‌نمای جهت‌یاب پرداخت و یک کار‌خانه ساجمه‌سازی به تولید گلوله‌های ضدزهر پوش پرداخت. با نگاه به گذشته، سرعت این تبدیل از متد زمان صلح به اقتصاد زمان جنگ شگفت‌انگیز است. تجهیز قدرت صنعتی ایالات متحد کشف ترازو را به‌طور ی تعیین‌کننده به سود متفقین تغییر داد و موجه بودن جنگ را معکوس کرد. آلمان و ژاپن، که قبلاً جهان‌زمل تاخته بودند، نمی‌توانستند با این تلاش مقابله کنند. بار دیگر به رقم ۲۲۹ هزار هواپیمای تولید شد و اینکه مثلاً پاکستان ۴۱ فروند اف فـ۱۵ و یونان ۵۲ فروند بـ۱۵ فلان داردا و تازه عاقبت این دو انفجار سهمگین اتمی در زمان ترومن بود که طومار آن جنگ خونین را در هم بست و به انسان‌ها نشان داد که صلح بهتر از جنگ و زندگی بهتر از مرگ است. اما جنگ بعدی در کرد و جنگ‌های دریایی تاکنون نشان داده‌اند که عشق به جنگ نیز دلبستگیان دارد!

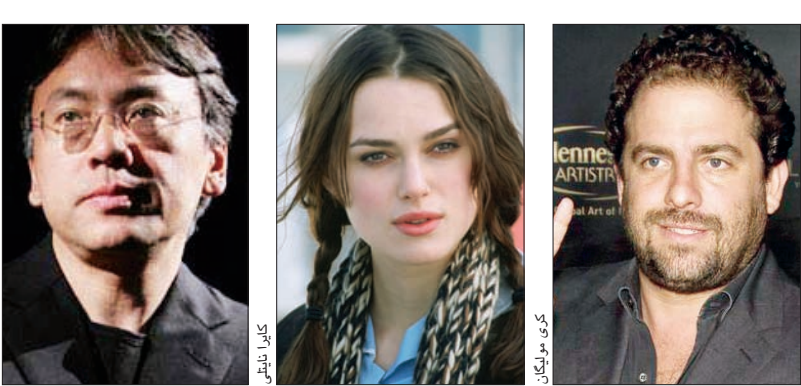


سال پنجم■ شماره پیاپی ۱۰۹۷■ شماره ۱۷۳ دوره جدید■ چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۸۹■ ۱۹ ذیقعدة ۱۴۳۱■ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر : بازی کایرا نایتلی در رمان «کازئو ایشی گورو»

بهترین رمان یک دهه بهترین فیلم دو دهه شد



خیلی انگلیسی است ولی انگلیس آن داستان، یک انگلیس بسیار تخیلی و ساختگی بود.
یک اقتباس شاعرانه
فیلم «هرگز رهایم نکن» اقتباسی است شاعرانه از کتابی به همین نام به قلم «کازئو ایشی‌گورو» نویسنده ژاپنی‌تبار بریتانیایی که نشریه «تایمز» هم از آن به عنوان برجسته‌ترین رمان این دهه نام برده است. این فیلم تازه به کارگردانی «مارک روماناک» ماجرای زندگی کودکی سه دوست، دو دختر و یک پسر، بریتانیایی است که در یک یتیم‌خانه مخصوص با ترس و کمرویی بزرگ می‌شوند؛ اما این فیلم ماجرای انگلیس رخ می‌دهد، اما این داستان در واقع در یک مکان تخیلی اتفاق می‌افتد. من وقتی رمان «بارمان‌روز» را نوشتم خیلی‌ها فکر کردند آن رمان

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

بهرتین رمان دهه ۹۰ به انتخاب منتقدان انگلیسی به سینما راه یافت و خیلی زود منتقدان سینمایی هم به این فیلم پنج ستاره دادند. «هرگز رهایم نکن» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های کازئو ایشی‌گورو با بازی کری مولیگان و کایرا نایتلی روی پرده سینماها رفته است. انجمن منتقدان بریتانیا درباره این فیلم گفته است: «۲۰ سال دیگر این فیلم صحنه به صحنه در مدارس سینمایی تدریس خواهد شد.» آنها این فیلم علمی–تخیلی را که به جای «پند» در گذشته یعنی دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد «روایتی از یتیم‌خانه‌ای که به جای بچه‌های چارلز دیکنز، بچه‌های جرج اورول در آن زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌اند و کارگردان آن «مارک روماناک» را با «استنلی کوپرک» مقایسه کرده‌اند. انجمن منتقدان بریتانیا و روزنامه گاردین معتقدند این فیلم نموداری است از شروع موج تازه‌ای از کارگردانان جوان که جانشین مثلث «فرانسیس فورد کاپولا، مارتین اسکورسیزی و استیون اسپیلبرگ» خواهند شد.

یادداشت‌های شهر شلوغ: از قافله عقب افتاده‌ام

خواب‌نامه

جواد طوسی



که بالای سرشون قوز کرده‌اند، دست به یقه شده است. البته بهندت برعکس این دوست از قافله عقب‌افتاده‌ام، زیاد تا اندامم را درمی‌سازم می‌خودم را با این زمانه «هچ» کنم. یاد پدر خدایبارمزم به خیر که می‌گفت ملدم می‌خوادقبل از اینکه زهارم دربره بچه‌هاسر و سامونی پیدا کنند». حالا حکایت ماست که دوست داریم تا زمانی که بچه‌ها روی پای خودشان نایستاده‌اند، قاطی نکنیم و جاگیر نشویم، تلاش مدبوحانه بندنه برای تطبیق مرحله به مرحله با شرایط موجود، بانشاط و قیراق بودن و دیدن سربال‌های سوزمارکتی و گوش دادن به ترانه‌های عصار و رضا صادقی و محسن چاوشی و لحظه‌شماری برای خوش‌نیم‌پلمک‌های است که راه به راه از «برنا» و «همن‌تالاین» و... دریافت می‌کنم. آخرین پیامکی که از سوی یکی از طرفداران دولت خدمتگزار برایم فرستاده شده، این است: «کوروش بزگا! در این زمینی که اینک بر آن گام می‌نهی‌و بر آن زندگی می‌کنی، خدای‌بزرگ هم‌زمان باآفرینش هستی آفرید پیش از توسپساری بر این خاک ریزسته‌اند، آنگاه رفته‌اند. پس این را بدان که تو نه اولینی و نه آخرین و نه ماندگاری در این زمین. هفتم آبان زارحورز پسر ایران‌زمین کوروش بزرگ گرمی باد.» نمی‌خواهم قیاس مع‌الفارق کنم ولی پیش خود می‌گویم «چی شده که باز کوروش عزیز شده است؟» یک موقعی گفتند «کوروش بخواب که ما بعضی‌هاهمان موقع سعی می‌کردند خودشان را به کوهی‌علی‌چپ بزنند و این «خواب‌بزرگ» را چنین تعبیر (یا بهتر بگویم تحریف) کنند:کی خوابیده کی بیدار / ملت به خواب نازه /چشمای شاهه بیدار...! لذا به لحاظ این تجربه تلخ، استفاده می‌شود که با تاریخ و آدم‌ها الکی روز نزنیم. میشد بر افکار پریشان خود غرق بودم و خولیم نمی‌پرد. این طور مواقع اگر حسایی کلید کنم به «کلودپازوکساید» و «تاناکس» و سنبل‌الطیب و عرق بهار نازج و بادرنجویه پناه می‌برم ولی هیچ افقه نکرد دیوان حافظ را برداشتم. نیت کردم و باز کردن نسخه «محمد قزوینی» و قاسم غنی»، این غزل آمد: «ما از مودامیم در این شهر بخت خویش / بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش...» دیدم نخیر، مثل اینکه حسایی جفت شیش آوردم آخرش رقتیم سراغ «سوئت‌دلدان» و مجید دوکله و حبیب آقازورفچی و فروغ‌زلمان- محشور شدن با مفت‌بازان عشق، نسخه بدی نیست.

تاملات فلسفی: روشن اندیشی

کدامین روش

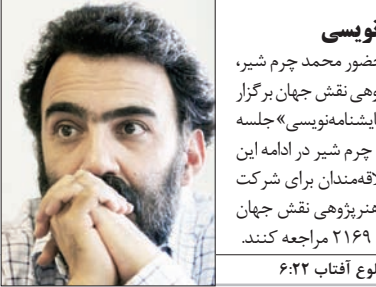
سید یحیی یتربی



بردن عقل با این مطلب آغاز کرد که «همه مردم عقل و هوش دارند اما روش استفاده از آن را نمی‌دانند.» تجدد از وقتی آغاز شد که روش‌های جدید اندیشه و پژوهش کشف شد و به کار بسته شد. درینا که ما در حوزه علوم انسانی هنوز هم از روش درخت بهره نمی‌گیریم و اصولاً به روش اهمیت نمی‌دهیم، در علوم تجربی ما از غرب پیروی می‌کنیم و تا حدودی به روش کار توجه داریم، اما در علوم انسانی هنوز درباره روش بحث نکرده‌ایم، لذا در قلمرو علوم انسانی از حرکت و توسعه باز مانده‌ایم و درجا می‌زنیم، یا به دور خود می‌چرخیم. آثار روش‌شناسان گران‌بخت حال جامعه‌مان را دیدم‌ایم. اثری از روش و بحث درباره روش در آنها دیده نمی‌شود. هنوز همه منطبق ارسطویی یعنی منطبق دوهزار و چهارصد سال پیش را، منطق جدی خود می‌دانیم هنوز می‌خواهیم موجودات جهان را بر اساس جنس و فصل تعریف کنیم! مسوولان جامعه از ما می‌خواهند با جمود و درجا زدن مبارزه کنیم و به نقد و نظر به‌پردازی روی آوریم، اما هیچ نشانی از توفیق ما دیده نمی‌شود. برای اینکه ما ازروها را مطرح می‌کنیم، اما این ازروها را به صورت مسله درمی‌آوریم و راه و روش حل آن است که این ذهن را درست به کار بریم.» دکارت خود را با عذر ناموجه «همی‌گذارند» توجیه می‌کنیم.

سخرانی چرم شیر با موضوع نمایشنامه‌نویسی

نشست تخصصی «خوانش روش‌شناختی نمایشنامه‌نویسی» با حضور محمد چرم شیر، شنبه هشت آبان‌ماه ۸۹ ساعت ۱۶ در سالن دکتر شیرازی مرکز هنرپژوهی نقش جهان برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، نشست تخصصی «خوانش روش‌شناختی نمایشنامه‌نویسی» جلسه مقدماتی کارگاهی آموزشی با همین عنوان است که با حضور محمد چرم شیر در ادامه این نشست شنبه‌ها در مرکز هنرپژوهی نقش جهان برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در این نشست می‌توانند شنبه هشت آبان‌ماه ساعت ۱۶ به مرکز هنرپژوهی نقش جهان واقع در خیابان ولیعصر (عج)، ضلع جنوب غربی پارک ساعی، شماره ۲۱۶۹ مراجعه کنند. تهران : آذان ظهر ۱۱:۴۸ آذان مغرب ۱۷:۲۲ آذان صبح فردا ۴:۵۸ طلوع آفتاب ۶:۲۲



دختران و پسران

سیدعلی میرفتاح
mirfatah@yahoo.com
کرگدن نامه

دختران نباید سوار دوچرخه شوند... دختران نباید کنار زاینده‌رود، در حاشیه پل خواجه بنشینند و قلیان بکشند... دختران نباید زیادت با اینن و آن اختلاط کنند... در راهروی دانشگاه، دختران برای دیدن نمرات بسا حذف و اضافه‌های خود نباید مقابل همان تابلویی بایستند که پسران می‌ایستند... دختران نباید از همان بوفه‌ای اغذیه بخزند که پسران می‌خرند... دختران نباید با نزدیک شدن سرما، چکمه بپوشند و تبرج کنند... دختران، در تابستان گذشته نباید از مانته‌های نازک استفاده می‌کردند... دختران نباید... نه، اینجا باید ششونات را رعایت کنند و به اشعار و جملاتی که کنار خیابان و روی برنهای تبلیغاتی نوشته شده، توجه کنند: «پدرم گفت که این دخت نکو بنیادم/ زلف بر باد مده تا مدھی بر بادم»...

کیورچالسی: حالا چرا کسی به این پسرها چیزی نمی‌گوید؟ بالاخره این جریان دوسویه است. به آن یک سو هم بد نیست گاهی تذکراتی بدهند...

موبدی: کلاً هر جریان دوسویه‌ای، یک سرش بیشتر در اختیار ما می‌باشد...

امیرشاهی: ولی من هم قبول دارم که بر مبنای عدالت هم حساب کنی، به پسرها کسی حرفی نمی‌زند. **روشن‌ضمیمیر:** تا بوده این بوده که «پسر، پسر، قند عسل / دختر، دختر، کپه خاستر».

میرفتاح: این چه حرفی است؟ اینها مال زمان جاهلیت است. الان اتفاق دختران نشانه کرامت انسانی و برکت و زندگی و از این چیزهای خوب هستند.

روشن‌ضمیمیر: در حرف پله، اما در عمل ... همین خودت حاضر بودی دختر بودی؟

میرفتاح: بهتر نیست بحث را عوض کنیم؟ **کیورچالسی:** کلاً دخترداری کار دشواری است. درآمده‌اند، تا دختر نداری، به درای...

موبدی: قدیم‌ها می‌گفتند که هر یک دختر، هفت‌تا مادر گیر می‌خواهد که از پشمان برآید.

میرفتاح: شما هم کم تمایلات دوران جاهلی نداریدها. **موبدی:** نقل کفر که کفر نیست. ما داریم نقل می‌کنیم. خودمان که از اینن اعتقادها نداشتم. دختر عین دستنه‌ها بزرگ داریم داریم دست یک لندهوری که

آمده و دارد به روح ما می‌خندد. **روشن‌ضمیمیر:** میوای شیرین‌تر از اولاد نیست/ شاخ گاو بدتر از دامان نیست... **امیرشاهی:** آفت غنی. این همه عین اسب کار کردیم و رحمت کشیدیم و مردریدگ گذاشتیم که حالا شاخ گاو بپاید و بر سر فرمان هم بخندد.

کیورچالسی: یعنی عروس اگر بخسود و بخندد عیبی ندارد؟ **موبدی:** پسر حسایش فرق دارد. پسر بالاخره خون آدم تو گر‌هاش جریان دارد و سراسر آله را ادامه می‌دهد و هر غلطی هم بکنند آدم سراسر بلند دست و خجالت نمی‌شد و سرافکنده نمی‌کند و... تو پسر را با دختر مقایسه می‌کنی؟

امیرشاهی: یک شب بروی دم این اداره منکرات که تعهد بدهی دخترت را بیرون بیاوری، آن وقت می‌بینی آنها که برای نجات پسرشان آمده‌اند چقدر سرلندند و به بقیه خبر می‌فرشند. **میرفتاح:** باز هم افکار جاهلی؟ **روشن‌ضمیمیر:** اگر افکار جاهلی است، پس چرا کسی برای پسرها شعر نمی‌نویسد ودغدغه‌های فرهنگی‌اش را باز گو نمی‌کند؟

کاپولا و فیلم جدیدی از او



دی‌لاین، فیلمنامه این درام بر اساس داستان کوتاهی از خود کاپولا به نگارش درمی‌آید. «بروس درن» و «لانی فاینینگ» از دیگر بازیگران این پروژه سینمایی هستند که در کنار «وال کیلمر» که در نقش یک نویسنده آثار ترسناک ظاهر می‌شود، به ایفای نقش می‌پردازند.

پیش‌تولید کار جدید فرانسیس فورد کاپولا هم‌ایک در «ناه» آغاز شده است.

پیش‌فروش بلیت کنسرت همایون شجریان

بلیت‌های کنسرت پاییز همایون شجریان و گروه «همنوازان حصار» از روز شنبه هشت آبان‌ماه پیش‌فروش می‌شود.

به گزارش سایت دل آواز، کنسرت پاییز همایون شجریان و

گروه «همنوازان حصار» به سرپرستی و آهنگسازی «علی قصصری» در تاریخ چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ آبان‌ماه در تالار وحدت برگزار خواهد شد.

بنا بر این گزارش از علاقه‌مندان درخواست شده از ساعت ۱۷ الی ۱۲ روز شنبه هشت آبان‌ماه با مراجعه به شرکت «دل آواز» بلیت خود را حضوراً خریداری و دریافت کنند و مراجعان کارت ملی خود را به همراه داشته باشند. علاقه‌مندان به تهیه بلیت اینترنتی کنسرت، با مراجعه به سایت www.shajarianconcert.com نسبت به عضویت یا تکمیل و تصحیح اطلاعات قبلی خود اقدام نمایند.